



چند پیشنهاد برای معلمان تفکر و سبک زندگی

سیدامیر حسین میردامادی
دبیر تفکر و سبک زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی، یکی از بارهایی است که بر دوش همهٔ ارکان مدرسه قرار دارد؛ اما با توجه به وظیفه‌ای که برنامهٔ درسی ملی برای حوزهٔ یازدهم یادگیری تعیین کرده، سهم دبیر تفکر و سبک زندگی از این بار بیشتر است. هرچند آشکار است که این کار بزرگ با دو ساعت درس در هفته به انجام نخواهد رسید، با کاربست پیشنهادهایی که در ادامه می‌آید، می‌توان به نتایج قابل توجه امیدوار بود.

پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد. بر اساس این اصل، لازم است در طراحی آموزشی برای نقش یادگیرنده اعتبار قائل بود و او را عنصری فعال و مؤثر در فرایند تدریس و یادگیری دانست. چه‌بسا اصلی‌ترین عنصر و محور فرایند تدریس همین یادگیرنده باشد و بر این اساس، نباید او را چون شیئی بی‌جان و منفعل در فرایند تدریس انگاشت. در جایی دیگر از جمله ویژگی‌های ذکر شده در برنامهٔ درسی ملی برای دانش‌آموز آمده است:

در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعهٔ شایستگی‌های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.

دیگر زمان ارائهٔ جزوات و آموزش‌های مستقیم به شیوهٔ انتقال اطلاعات به پایان رسیده است و نمی‌توان اصلی‌ترین نقش را در کلاس درس به یادگیرنده نداد.

یکنواخت نباشید!



راهکار ۱۶م از راهکارهای ذکر شده در سند تحول «ایجاد تنوع در فرصت‌های تربیتی در مراکز آموزشی و تربیتی برای پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان» است. همچنین، از جمله ویژگی‌های یاددهی - یادگیری ذکر شده در برنامهٔ درسی ملی این است:

صحنه را خالی کنید؛ لطفاً به پشت صحنه تشریف بیاورید!



آیا می‌شود مهارت راندگی را آموخت و پشت فرمان ننشست؟ در آموزش مهارت‌های زندگی هم شیوهٔ کار ما باید بر مبنای تدارک موقعیت‌های تجربه یا شبیه‌سازی برخی موقعیت‌های واقعی زندگی در فضای آموزشی باشد. به این ترتیب که یک فعالیت یا بازی آموزشی طراحی شود. دانش‌آموز با قرار گرفتن در آن موقعیت، با مهارت مورد هدف طرح درس مواجه شود و از آن برای حل یک مسئله بهره گیرد. اساساً آموزش مهارت بدون موقعیت‌های تجربه، به‌ویژه تجربه‌هایی نزدیک به فضای واقعی زندگی، بی‌نتیجه است. پس، خودتان را آماده کنید که در این کلاس حس مرسوم معلمی را نداشته باشید!

به این اصل که در سند برنامهٔ درسی ملی آمده است، توجه کنید؛

اصل سوم از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامهٔ درسی ملی: اعتبار نقش یادگیرنده برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانهٔ دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینهٔ تقویت و توسعهٔ روحیهٔ پرسشگری،

تکروی نکنید؛ هم تیمی‌هایتان هم آماده گل‌زنی هستند!



بتا که قرار بود در هر روستا یک سال بماند و مسجدی بنا کند، هر روز به کوره آجرپزی می‌رفت و کیسه‌اش را پر از آجر می‌کرد و می‌آمد که تا قبل از ظهر به روستا برسد و تا غروب، قسمتی از بنای مسجد را بسازد، اما سال تمام شد و ساختمان مسجد نه!

در روستای بعدی به مردمی که هر روز از کنار کوره آجرپزی به سمت روستا می‌آمدند، گفت با خودشان چند آجر بیاورند تا کار سریع‌تر پیش برود و بعد از یک سال، روستا را مسجددار کرد. دبیران دروس مختلف هر روز ساعت‌ها با بچه‌ها سروکار دارند و می‌توانند موقعیت‌های خوبی برای تقویت مهارت‌های زندگی در کلاس خود بسازند. پس این طرف و آن طرف، در اتاق معلم‌ها یا گروه مجازی‌تان آن‌ها را گیر بیندازید و دغدغه‌هایتان را با آن‌ها در میان بگذارید. کمتر معلمی دغدغه آموزش مهارت‌های زندگی را ندارد. به فراخور شرایط هر درس با دبیر آن از آموزش مهارتی در کلاسش بگویید و با هم ایده‌پردازی کنید.

خوب نگاه کنید؛ تیم شما بزرگ‌تر از این است!



راستش را بگویید، معلم تفکر و سبک زندگی شما می‌داند؟ یا دانش‌آموز تفکر و سبک زندگی را بیشتر از شما می‌آموزد یا از خانواده‌اش؟ آیا آن‌ها این کار را به خوبی انجام می‌دهند؟ شما که سرتان برای این درد می‌کند که به نحوی بچه‌ها را در این زمینه تقویت کنید، از آموزش خانواده‌ها غافل نشوید. با مدرسه در این باره صحبت کنید. استاد خبره دعوت کنید و کارگاه‌هایی برای پدرها و مادرها بگذارید. به آن‌ها - که همکارانتان هستند - بگویید: بیایید به هم برای ایفای نقش مربیگری‌مان کمک کنیم.

آی اردو، اردو، اردو، دبیر تفکر کو؟!



شکر خدا، مدرسه بی‌اردو کم پیدا می‌شود؛ اردوهای متنوع، کوتاه و بلند، نزدیک و دور، علمی، ورزشی، زیارتی، تفریحی و... اردو جایی است که در آن قالب‌های مرسوم آموزش شکسته می‌شود. در نگاه برخی دانش‌آموزان، در اردو زنگی به صدا در نمی‌آید که همه به فضای در بسته کلاس باز گردند. چه خوب است اگر بچه‌ها در مدرسه زندگی کنند، اما اینکه در اردو هم فرصت زندگی کردن را داشته باشند، به از هیچ است. در اردو می‌شود موقعیت‌های نابی ساخت که بچه‌ها با قرار گرفتن در آن، مهارت‌های زندگی را تجربه کنند و بیاموزند. از خوابیدن، بیدار شدن، آماده کردن غذا، خوردن آن، تفریح کردن، بازدید کردن، فعالیت‌های هدفمند و هزاران موقعیت

یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط‌های متنوع یادگیری است.

بر همین اساس، معلم کلاس تفکر نیز باید در طول سال تحصیلی با ابزارهایی گوناگون دانش‌آموزان را از منظرهای مختلف با موضوعات درسی روبه‌رو کند.

دلیل اول برای این تنوع این است که باعث یادگیری همه‌جانبه دانش‌آموزان و افزایش علاقه‌مندی ایشان به درس می‌شود. اگر تنها با یک شیوه با موضوعات این کلاس مواجه شوند، ممکن است کاربردهای آموزه‌های این درس را محدود به زمینه‌هایی خاص بدانند اما وقتی با موضوعات این کلاس در لباس‌های مختلف روبه‌رو شوند، به اهمیت و کاربرد وسیع آن‌ها پی خواهند برد.

دلیل دوم این است که دانش‌آموزان با یکدیگر متفاوت‌اند و این تفاوت ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد این تفاوت و تنوع، سبک‌های یادگیری و تفاوت‌های ایشان در بهره‌وری از هوش‌های مختلف است. دانش‌آموزی با فعالیت و بازی یاد می‌گیرد، دیگری در بحث و گفت‌وگو، آن یکی در مشاهده فیلم و... تنوع راهبردهای تدریس باعث شکل‌گیری پاسخ‌های متنوع برای نیازهای متنوع دانش‌آموزان خواهد شد.

جالب بود، ولی به چه درد من می‌خورد؟



یادگیری آنچه یادگیرنده به یادگیری آن احساس نیاز کند، بسیار سریع‌تر، سهل‌تر، مؤثرتر و ماندگارتر است. بر همین اساس، تلاش کنیم آنچه را واقعاً مورد نیاز دانش‌آموزان است آموزش دهیم و همچنین، فرایند یادگیری را به طوری برنامه‌ریزی کنیم که طی آن، یادگیرنده، خود به یادگیری آن مهارت یا نگرش یا دانش احساس نیاز کند و خواهان آن باشد.

برای یک طراحی اثربخش، لازم است به این دو نکته توجه شود تا پاسخی که داده می‌شود، به سؤال و درخواستی باشد که وجود دارد، نه به سؤالی که چند دهه قبل مطرح بوده است و نه به درخواست و نیازی که یک دانش‌آموز اروپایی دارد. از طرف دیگر، فعالیت یادگیری را به نحوی طراحی کنیم که یادگیرنده، نیاز خود به یادگیری آن مهارت را دریابد.

از مزیت‌های درس تفکر این است که همواره این سؤال برای دانش‌آموزان مطرح است که به چه دلیل باید در این فعالیت‌ها مشارکت کنند؟ سؤال مهمی که متأسفانه کمتر نسبت به دروس دیگر آن را می‌شنویم و بچه‌ها اغلب بدون آنکه بدانند چرا، آماج آموزش‌های گوناگون قرار می‌گیرند. پس، از این مزیت استفاده کنیم و بدون اینکه بخواهیم برای بچه‌ها منبر اهمیت این درس را بر پا کنیم، فعالیت‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که خود یادگیرنده، در خلال آن‌ها به اهمیت موضوع و نیازش به یادگیری آن پی ببرد.



چه کنیم که بچه‌ها این درس را همان‌طور که جدی است، جدی بگیرند؟ اولین جوابی که به ذهن می‌رسد، این است که خودمان آن را جدی بگیریم

است که دانش‌آموز از ترس پدر نیست که به درس شما اهمیت نمی‌دهد اما از طرف دیگر ممکن است جدیت این درس در نگاه

دانش‌آموز زیر پای ریاضی و علوم له و نابود شود. حالا چه کنیم بچه‌ها این درس را همان‌طور که جدی است، جدی بگیرند؟

اولین جوابی که به ذهن می‌رسد، این است که خودمان آن را جدی بگیریم؛ یعنی: **e** برای معلمی مان وقت بگذاریم؛ مطالعه کنیم، در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنیم، با معلمان دیگر گفت‌وگو کنیم، فیلم ببینیم و خلاصه خودمان را برای این کار بسازیم و حرفه‌ای بشویم.

e یک‌بار در مدرسه ما، دانش‌آموزی آمد و گفت که برای بچه‌ها کاملاً مشهود است که دبیران تفکر و سبک زندگی این مدرسه، روی کلاسشان کار کرده‌اند و طرح درس دقیق دارند. هرچند اغلب جلسات کلاس ما به بازی و فعالیت اختصاص داشت، ارزشی که این بازی‌ها برایمان داشتند و وقتی که صرفشان کرده بودیم، ناخواسته به بچه‌ها منتقل شده بود و همین عاملی بود که درسشان را جدی بگیرند.

برای محتوای کلاس و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهید وقت بگذارید؛ مثلاً وقتی دبیر با دستی پر از کارت‌های خاص یا برگه‌های رنگی برش خورده یا هر چیز دیگری که قبل از کلاس آماده کرده، یا به کلاس می‌گذارد، یعنی این یک ساعت برای من مهم است و خودم را برایش آماده کرده‌ام. بچه‌ها هم آن یک ساعت را جدی می‌گیرند.

e در مدرسه‌ای دیگر که افتخارشان برگزاری آزمون‌های پرفشار چهارگزینه‌ای در فواصل زمانی کوتاه بود، هر بار در هفته منتهی به آزمون، برخی دروس از جمله تفکر و سبک زندگی باید جای خودشان را به آمادگی برای آزمون کذایی می‌دادند. معلم تفکر که تازه به آن مدرسه آمده بود، جلوی این کار مدرسه ایستاد و از حق دانش‌آموزان دفاع کرد. به این ترتیب، برای مدرسه و بچه‌ها روشن شد که این درس، دست کم در نظر دبیر آن، درس درجه دو نیست.

مسئله دیگر، جدی گرفتن درس تفکر و سبک زندگی در مواجهه با دیگران است. حتی گاهی لازم است درباره اهمیت و جایگاه این درس با آن‌ها سخن بگویید و قانعشان کنید.

دیگر می‌توان فرصت یادگیری ساخت؛ به شرط اینکه دبیر تفکر خود را به چارچوب کلاس تفکر و سبک زندگی محدود نکند. با مسئولان در طراحی و برگزاری اردو مشارکت کند و اردو را به اهداف درس خود و آموزش مهارت‌های زندگی گره بزند. در این صورت، چه‌بسا اثر اردو از یک سال زحمتی که دبیر برای کلاسش می‌کشد بیشتر باشد.

در سند برنامه درسی ملی، جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش این حوزه این‌گونه بیان شده است: فعالیت‌های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌های تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند، جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، توجه به شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است.

تمرین‌های منزل



نه... نگران نشوید! منظورم پر کردن کاغذ با متن‌های نخواستنی و بی‌فایده نیست. منظورم تکالیف ملال‌آور که فرصت نفس کشیدن هم برای طفلکی‌ها نمی‌گذارد، نیست. منظورم تجربه‌های ناب و خواستنی است که در مدرسه امکان تحقق آن‌ها کمتر دست می‌دهد و در خانه و بیرون مدرسه، بیشتر. نظرتان درباره ساخت یک فیلم یا پادکست چیست؟ یک کاردستی هدفمند چطور؟ یا نوشتن... اما نوشتن آنچه دوستش دارد چه؟ چطور است این بار کارش این باشد که با مادرش درباره موضوعی گفت‌وگو کند و مادرش خروجی این گفت‌وگو را برای شما بنویسد؟

پیشنهاد می‌کنم فکر کنید و تمرین‌های مفید و شیرین طراحی کنید. خودمان را ملزم به پر کردن وقت بچه‌ها در خانه ندانیم، اما گوشه ذهنمان این ابزار یادگیری را هم داشته باشیم.

جدی بگیرید، تا جدی بگیرند!



بچه‌ها هم مثل بزرگ‌ترها هم کارهای جدی دارند هم کارهای بی‌اهمیت. عوامل مختلفی باعث می‌شود که یک کار جدی تلقی گردد. درس ریاضی برای خانواده‌ها مهم است و به تبع آن، برای بچه‌ها مهم می‌شود. حالا ممکن است آن‌ها اهمیت این درس را درک هم نکنند. درواقع، چون درسی برای پدر دانش‌آموز مهم است، خواه‌ناخواه برای او هم مهم می‌شود اما وقتی پدرش به او می‌گوید: «تفکر دیگر چیست؟ ریاضی مهم است!» به یک معنی اتفاق خوبی برای شما افتاده است. خیالتان راحت